



## بررسی رابطه بین سواد محیط زیستی و مصرف مسئولانه و پایدار (مورد مطالعه: شهروندان ارومیه)

توکل آقاییاری هیر<sup>۱</sup>، محمد باقر علیزاده اقدام<sup>۲</sup>، حسین هنرور<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز

۳. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز

دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۱

### The relationship between Environmental literacy and Responsible-Sustainable Consumption (The Case of Urmia Citizens)

Tavakol Aghayari Hir, H.<sup>1</sup>; Alizadeh Aghdam, M. B.<sup>2</sup>; Honarvar. H.<sup>\*3</sup>

1. Assistant Professor of Social Science Department, Tabriz University, Tabriz, Iran.

2. Associate Professor of Social Science Department, Tabriz University, Tabriz, Iran.

3. PhD. Student of Sociology, Tabriz University, Tabriz, Iran.

Received: 2016/8/22

Accepted: 2016/11/1

#### Abstract

Responsible-sustainable consumption is one of the important aspects of sustainable development which depends on achieving long-term economic growth consistent with environmental and social needs. In fact, recent definitions of sustainability on the basis of the "triple bottom line" concept (environment, society and economic), represents the interrelation of economic, social and environmental factors. Environmental literacy can be considered as one of the immediate determinants of responsible-sustainable consumption. Present study aims to investigate the relationship between Environmental literacy and responsible-sustainable consumption. The population of this study is 15-64 year-old citizens of Urmia and the statistic sample is 516 persons, examined using the survey method and cluster sampling. The results show that there is a significant positive relationship between Environmental literacy and its aspects with responsible-sustainable consumption. Also, multiple regression results show that 26% of the variance in responsible-sustainable consumption are determined by environmental attitudes and behaviors (the aspects of Environmental literacy).

**Keywords:** Responsible-Sustainable Consumption, Eco-literacy, Urmia citizens.

#### چکیده

مصرف مسئولانه و پایدار یکی از جنبه‌های مهم توسعه پایدار محسوب می‌شود که به دستیابی رشد اقتصادی بلند مدت سازگار با نیازهای محیط‌زیستی و اجتماعی بستگی دارد. در واقع تعاریف اخیر از پایداری در قالب اصول سه-گانه (محیط زیست، اجتماع و اقتصاد)، نشان از تنیدگی عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی دارد. در این بین، یکی از تعیین کننده‌های بلافصل مصرف مسئولانه و پایدار سواد محیط‌زیستی افراد می‌تواند در نظر گرفته شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین سواد محیط‌زیستی و مصرف مسئولانه و پایدار انجام یافته است. جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان ۱۵-۶۴ ساله ارومیه و نمونه آماری آن ۵۱۶ نفر می‌باشند که با استفاده از روش پیمایش و نمونه‌گیری خوشه‌ای، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بین متغیرهای سواد محیط‌زیستی و ابعاد آن با مصرف مسئولانه، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، نتایج رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد ۲۶ درصد از واریانس مصرف مسئولانه و پایدار توسط نگرش محیط‌زیستی و رفتار محیط‌زیستی (از ابعاد سواد محیط‌زیستی) تبیین شده است.

**واژه‌های کلیدی:** مصرف مسئولانه و پایدار، سواد محیط‌زیستی، شهروندان ارومیه‌ای.

## مقدمه

در طول ۵۰ سال گذشته، جمعیت جهان در مقایسه با همه نسل‌های قبلی، کالاها و خدمات بیشتری مصرف کرده است. هرچند، فرایند افزایشی مصرف در طول این دوره، رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی را برای بسیاری به ارمغان آورده است اما این الگوی مصرف موجب افزایش تقاضا برای بهره‌برداری و استخراج منابع طبیعی برای تولید کالا شده و متعاقب آن موجب تحمیل فشار زیادی به محیط زیست و در نهایت تخریب محیط زیست شده است؛ به عبارتی می‌توان گفت که سبک زندگی مصرفی امروزی به همراه سازمان نامناسب تولید و مصرف، موجب تحلیل رفتن منابع طبیعی، تخصیص منابع به صورت نابرابر، تخریب محیط زیست و تشدید مسائل اجتماعی مانند فقر و دور شدن جوامع از مسیر توسعه پایدار شده است (Hendarti, 2012: 1).

با جدی‌تر شدن مشکلات محیط‌زیستی در سطح دنیا، سوالات و ابهامات زیادی در مورد نحوه زندگی انسان‌ها به وجود آمده است. همزمان با مطرح شدن این ابهامات، انسان‌ها به این آگاهی رسیده‌اند که به یک استراتژی جدید جهت برخورد با چالش‌های محیط‌زیستی و مصرف‌گرایی نیاز دارند (Sachs, 2015: 4). این استراتژی برای اولین بار در سال ۱۹۸۰ توسط اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت<sup>۱</sup> تحت عنوان پایداری<sup>۲</sup> مطرح شد. بعدها در سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل<sup>۳</sup>، توسعه پایدار را تأمین نیازهای فعلی انسان‌ها بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های بعدی در تأمین نیازهایشان تعریف کرد (WCED<sup>۴</sup>, 1987: 45). مصرف پایدار برای مصرف‌کنندگان این فرصت را فراهم می‌کند تا از کالاها و خدمات به صورت موثرتر و کارآمدتر در جهت تأمین بهینه نیازهایشان استفاده کنند تا از این طریق اثرات منفی محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از مصرف کالاها را به حداقل برسانند (UNEP<sup>۵</sup>, 2005). البته باید توجه کرد که منظور از مصرف پایدار لزوماً مصرف کمتر نیست، بلکه منظور از مصرف پایدار، مصرف کارآمدتر و موثرتر از کالاها و خدمات است. در واقع، مصرف پایدار به عنوان اولویت

جهانی جهت جلوگیری از تخریب محیط زیست، مانند یک فرمول جادویی برای هدایت تغییرات اجتماعی در جهتی مطلوب، عمل می‌کند (Balderjahn & et al., 2013: 181).

آموزش ناکافی و آگاهی پایین مصرف‌کنندگان در زمینه آثار محیط‌زیستی مصرف، ناآگاهی از هزینه‌های واقعی محیط‌زیستی و اجتماعی در قیمت نهایی محصولات و خدمات، ریشه دوانیدن تفکرات و رفتارهای ناپایدار در بین مصرف‌کنندگان و عدم وجود محصولات و خدمات سازگار با محیط زیست همگی می‌توانند از موانع اصلی مصرف پایدار محسوب می‌شوند (Tillard, 2000).

همانطور که ال‌کینگتون در رویکرد اصول سه‌گانه‌ی<sup>۶</sup> پایداری مطرح کرده است، پایداری از سه بعد اصلی؛ پایداری کیفیت محیط‌زیستی<sup>۷</sup>، عدالت اجتماعی<sup>۸</sup>، و توسعه اقتصادی<sup>۹</sup> تشکیل شده است. این بدان معناست که برای رسیدن به پایداری، سه بعد مطرح شده باید در یک مسیر و در امتداد همدیگر باشند (Elkington, 1997: 397). در مسیر توسعه پایدار از مصرف‌کنندگان انتظار می‌رود که مصرف پایدار داشته باشند و مسیر را برای توسعه پایدار هموار کنند. این اعتقاد که مصرف‌کنندگان با تغییر سبک زندگی و رفتارهایشان در همه زمینه‌ها می‌توانند راه را برای توسعه پایدار هموار سازند، یک موقعیت ویژه و محوری را برای مصرف‌کنندگان به عنوان عوامل تغییر اجتماعی در نظر می‌گیرد (Balderjahn & et al., 2013: 181). تأثیرات محیط‌زیستی یک جمعیت و افراد آن مانند هر تجربه بشری دیگر، می‌تواند از ابعاد مختلف، تحت تأثیر بسیاری از عوامل در سطح خرد و کلان باشد. حرکت کردن در مسیر مصرف پایدار مستلزم همکاری متقابل شرکت‌های تولیدی و مصرف‌کنندگان بوده و پیش‌شرط‌هایی دارد. شاید یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های رسیدن به این مصرف پایدار، ایجاد آگاهی و سواد زیست محیطی<sup>۱۰</sup> در بین شهروندان باشد چرا که بسیاری از ساکنان شهرها در اغلب نقاط، جدا از فرایندهای تولید کالاها می‌باشند که مورد استفاده قرار می‌دهند، سواد زیست محیطی به معنی شناخت الگوها و فرایندهای زیست است زیرا برای فهم چگونگی کارکرد طبیعت

6. Triple bottom line  
7. Environmental quality  
8. Social justice  
9. Economic prosperity  
10. Eco-literacy

1. International Union for the Conservation of Nature  
2. Sustainability  
3. United Nations World Commission on Environment and Development  
4. World Commission on Environment and Development  
5. United Nations Environment Programme

ناپذیری به محیط زیست شهر ارومیه و شهرهای اطراف، وارد می- کند<sup>۵</sup> با توجه به مطالب مطرح شده، پژوهش حاضر به دنبال این است که اولاً میزان مصرف مسئولانه و پایدار را در بین شهروندان ارومیه‌ای برآورد کرده و همچنین تأثیر سواد محیط‌زیستی بر آن را مورد بررسی قرار دهد.

تمرکز جمعیت و متعاقب آن خدمات، امکانات ( و به طور خلاصه مصرف) در محیط‌های شهری بزرگ، که معمولاً تعادل بین محیط زیست شهری و جمعیت ساکن آن را بر هم می‌زند، سهم بزرگی در نزدیک و یا دور شدن شهرها از توسعه پایدار دارد. شرایط خاص شهر ارومیه به عنوان یکی از مراکز استانی بزرگ شمال غرب کشور مانند: افزایش جمعیت ناشی از رشد طبیعی و نیز جذب مهاجرین از شهرهای اطراف؛ محدودیت‌های طبیعی عمده در تأمین منابع مورد نیاز جمعیت مسکون؛ داشتن برخی نمونه‌های عینی مخاطرات محیط‌زیستی مانند خشک شدن دریاچه ارومیه و دارا بودن بیشترین میزان وسایل نقلیه نسبت به جمعیت در شهر ارومیه بعد از شهر تهران (Habibi & et al., 2012: 11)، این شهر را به مورد مناسبی برای مطالعه مصرف مسئولانه و پایدار تبدیل کرده است. در ادامه سعی شده تا میزان مصرف مسئولانه و پایدار در این شهر برآورد و همچنین ارتباط متغیر سواد محیط‌زیستی و ابعاد آن بر مصرف مسئولانه و پایدار مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

در دنیای مدرن واژه مصرف از دو بعد قابل بررسی است: در بعد اول، مصرف به معنای تأمین نیازهای ضروری انسان‌هاست که در این حالت، این نوع از مصرف، طبیعی و مشروع<sup>۶</sup> قلمداد می‌شود؛ اما در بعد دوم، مصرف، بیشتر در رابطه با خریدن کالاهای لوکس و غیرضروری تعریف می‌شود که جهت تأمین امیال مصرف متظاهرانه برای نشان دادن پرستیژ اجتماعی کاربرد داشته و نتیجه- ای جز تخریب محیط زیست ندارد. امروزه در حالت کلی، از بعد اخیر، تحت عنوان مصرف‌گرایی نام برده می‌شود. ولی مصرف از نوع بعد اول را می‌توان در راستای مصرف مسئولانه و پایدار تعریف کرد (Godazgar, 2007: 309) یکی از عوامل اساسی زمینه ساز مصرف پایدار، را می‌توان افزایش آگاهی محیط‌زیستی مصرف- کنندگان، به عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر نوع مصرف شهروندان، در نظر گرفت. در ادامه به طور اجمالی به بحث از ارتباط بین سواد

در حفظ حیات، نقش اجتماعات انسانی در طبیعت، چرخه زیست محیطی و حفظ حیات، حرکت از بیولوژی به سوی اکولوژی، امری ضروری است (Capra, 2008). نتایج مطالعات و تحقیقات انجام گرفته در داخل و خارج از کشور نیز نشان می‌دهد که بین سواد محیط‌زیستی و حفظ محیط زیست و مصرف پایدار رابطه معنی- داری وجود دارد (Dubeya & et al., 2016, Balderjahn & et al., 2013, Ferdowsi & et al., 2007, Yazdkhasty & et al., 2013).

برطبق اطلاعات چشم‌انداز جهانی شهرنشینی<sup>۱</sup> (PDUN<sup>۲</sup>, 2014) فقط ۲۰ درصد جمعیت ایران در سال ۱۳۳۰ شهرنشین بودند؛ اما شهرنشینی در ایران در طول حدود ۶۰ سال ( تا سال ۱۳۹۰) رشد سریعی داشته و میزان شهرنشینی به بیش از ۷۱ درصد رسیده است (SCI<sup>۳</sup>, 2011) و بر اساس پیش بینی‌های چشم انداز جهانی شهرنشینی (۲۰۱۵)، این عدد در سال ۲۰۵۰ به ۸۳ درصد خواهد رسید. با افزایش جمعیت شهرنشین، اهمیت محیط زیست شهری هم افزایش پیدا می‌کند؛ زیرا شهرنشینی فزاینده و تراکم جمعیت شهری، مصرف و سبک زندگی مصرف‌گرا را افزایش می‌دهد و این باعث تخریب و از بین رفتن هر چه بیشتر منابع محیط‌زیستی می‌شود (Banifateme & Hosseinezhad, 2012: 54).

آمارهای موجود در کشور بیانگر این است که بیشتر شهروندان ایرانی به انسان‌های مصرف‌گرا تبدیل شده‌اند و در مصرف برخی از اقلام مانند پوشاک، خوراک و مواد تجملی و آرایشی بعد از کشورهای پرجمعیت مانند چین و هند در رده سوم قرار گرفته‌اند<sup>۴</sup>.

متعاقب این مصرف‌گرایی بی‌رویه در کشور، هر چند مطالعات علمی در مورد مصرف و مصرف‌گرایی در رابطه با شهروندان ارومیه‌ای انجام نگرفته است (دست کم تا جایی که نگارندگان امکان جستجوی منابع علمی موجود را داشتند)؛ با این حال آمارها برای سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که سرانه تولید زباله هر شهروند ارومیه‌ای، ۷۵۰ گرم است در حالی که این رقم برای اروپا، ۳۰۰ گرم است. به عبارت دیگر، میزان تولید زباله در شهر ارومیه دو برابر استانداردهای جهانی است و این امر در درازمدت صدمات جبران-

5. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13941020000012>

6. natural and legitimate

1. World Urbanization Prospects

2. Population Division of the United Nations

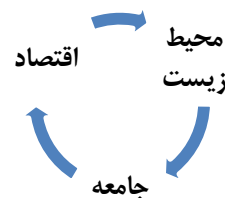
3. Statistical Center of Iran

4. <http://shafaf.ir/fa/news/303684/>

شبکه‌های اجتماعی؛ و در بعد فردی، مفاهیمی مانند شادی، رضایت از زندگی و ایجاد تعادل در زندگی کاری فرد، مطرح می‌شوند (Sheth & et al., 2011: 22).

بولدرجان و همکاران (2013) بر اساس مفهوم اصول سه‌گانه پایداری، مفهوم آگاهی برای مصرف پایدار را در جهت تقویت ابعاد محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی کیفیت زندگی مطرح می‌کنند. از منظر آنها بعد محیط‌زیستی غالباً از طریق دغدغه‌های محیط‌زیستی (دغدغه‌هایی مانند بازیافت پسماندها، بسته بندی مواد مصرفی، محدودیت منابع و انرژی و تولیدات محلی) به مصرف پایدار مرتبط می‌شود. بعد اجتماعی مصرف پایدار، عموماً به رفتارهایی مثل کمک رساندن به دیگران و انجام دادن کارهایی که دارای منافع عمومی است، اشاره دارد. به عبارت دیگر حرکت به سمت مصرف مسئولانه اجتماعی بر پایه داشتن آگاهی انجام می‌شود (Balderjahn & et al., 2013: 183). این بدان معنی است که داشتن انگیزه برای مصرف در مسیر رفتار مسئولانه اجتماعی، بر آگاهی از انجام دادن کارهای خوب، در قبال دیگران استوار است. یکی از اصول اساسی در مصرف مسئولانه اجتماعی، به حداقل رساندن اثرات منفی ناشی از مصرف و به حداکثر رساندن اثرات مفید ناشی از فعالیت‌های انسانی در جامعه می‌باشد (Mohr & et al., 2001: 47). همچنین در رابطه با بعد اقتصادی مصرف پایدار، بولدرجان و همکاران (2013:p183) و شت و همکاران (2011:p24) معتقدند که این بعد به حس آگاهانه مراقبت از اقتصاد (فردی و خانوار) در بلندمدت، بهبود رفاه اقتصادی و بهبود استانداردهای زندگی مصرف‌کنندگان مربوط می‌شود. سواد محیط‌زیستی برای اولین بار در سال ۱۹۶۹، توسط چارلز روث<sup>۳</sup> مطرح شد. روث، سواد محیط‌زیستی را در برگیرنده شیوه‌ها، فعالیت‌ها و احساساتی می‌داند که ریشه در آشنایی با محیط زیست و شناخت دقیق نسبت به آن دارد. طبق دیدگاه روث، سواد محیط‌زیستی بر اساس یک پارادایم اکولوژیک ایجاد می‌شود و یک پتانسیل یا توانایی است که به درک و تفسیر سلامت نسبی سیستم‌های محیط‌زیستی و همچنین انجام اقدامات مناسب برای حفظ و ترمیم و یا بهبود این سیستم‌ها، از سوی انسان‌ها کمک می‌کند. همچنین سواد محیط‌زیستی ابزاری قوی برای درک و تفسیر سلامت محیط‌زیستی از سوی انسان‌هاست (Roth, 1992: 7-17).

محیط‌زیستی و مصرف مسئولانه و پایدار پرداخته شده است. سالونن<sup>۱</sup> (2013) معتقد است که سیاره زمین مجموعه‌ای از پدیده‌های منفک از همدیگر نیستند بلکه در درون این سیستم همه‌چیز باهم در ارتباط است. اقتصاد کاملاً به اجتماع و محیط زیست وابسته است و برعکس. به اعتقاد سالونن، مصرف‌کنندگان به عنوان نمایندگان جامعه، حق استفاده از خدمات و کالاهای تولیدی (اقتصاد) و حق زندگی کردن در یک محیط سالم (محیط زیست) را دارا هستند، در مقابل آنها مسئول حفاظت از محیط زیست خودشان نیز هستند (شکل ۱). در مصرف مسئولانه، مصرف‌کنندگان از علت انتخاب‌های خودشان در زمینه خرید یا مصرف کالاها آگاهی دارند. به عقیده سالونن، در مصرف مسئولانه، افراد به اثرات بلند مدت محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی کالاها توجه می‌کنند. این نوع جهت‌گیری و علاقه نشان دادن به اثرات بلند مدت مصرف کالاها از سوی مصرف‌کنندگان یکی از علل اصلی رسیدن به توسعه پایدار محسوب می‌شود. بر طبق نظر سالونن با توجه به اینکه در این مصرف، مصرف‌کنندگان به صورت هدفمند یک کالا را می‌خرند، حتی شرکت‌های تولیدی هم از طریق ضمانت دادن کالاهاشان در مسیر کاهش تخریب محیط زیست و افزایش مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی گام بر می‌دارند (Salonen, 2013: 2051-2052).



شکل ۱. مصرف مسئولانه و پایدار (سالونن: 2013)

شت و همکاران (2011) مصرف پایدار را به عنوان مصرف آگاهانه<sup>۲</sup> تعریف کردند. این نوع از مصرف نشان‌دهنده تلاقی آگاهی و رفتار آگاهانه در مصرف کالاها و خدمات (بخوانید: طبیعت) است. آنها معتقدند این نوع از مصرف، منعکس کننده حس آگاهانه مراقبت از خود، جامعه و محیط زیست از سوی مصرف‌کنندگان است. در مصرف آگاهانه در حوزه محیط زیست، موضوعاتی مانند حفاظت از محیط زیست و مصرف بهینه از منابع طبیعی در بعد اجتماعی، موضوعاتی مانند حمایت از منافع عمومی و قدرانی کردن از

1. Salonen  
2. Mindful consumption

3. Charles Roth

در داخل و خارج از کشور در ارتباط با موضوع مورد بررسی مقاله حاضر انجام شده اند، پرداخته شده است.

یزدخواستی و همکاران (2013) در تحقیقی به "بررسی رابطه سواد بوم شناختی با ردپای بوم شناختی (مورد مطالعه: شهروندان تبریز)" پرداختند. در این پژوهش پیمایشی ابزار تحقیق پرسشنامه بوده و جامعه آماری تحقیق شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز بودند که ۴۴۳ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین سواد بوم شناختی و مؤلفه‌های سازنده آن با متغیر ردپای بوم شناختی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بیدآبادی و همکاران (2013) در پژوهشی به بررسی اثرگذاری آموزش محیط زیست شهری بر ارزش گذاری و رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی ناحیه ۵ استان اصفهان پرداختند. نوع تحقیق مطرح شده بر اساس اهداف از نوع تحقیقات کاربردی بوده و روش تحقیق نیمه تجربی یا طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل بوده است. برای دستیابی به هدف پژوهش، از بین مدارس راهنمایی ناحیه ۵ استان اصفهان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای، دو کلاس ۲۵ نفره در دو مدرسه راهنمایی، یکی به عنوان گروه کنترل و دیگری به عنوان گروه آزمایش انتخاب شدند و سپس به مدت ده جلسه آموزشی، (هر جلسه به مدت ۷۵ دقیقه)، گروه آزمایش تحت آموزش محیط زیست شهری قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که، آموزش‌های محیط زیست شهری بر رفتار دانش‌آموزان در گروه آزمایش در سه محث حفاظت فضا سبز، مدیریت زباله‌های شهری و مدیریت مصرف انرژی به طور مشهود تأثیرگذار است. همچنین آموزش‌های محیط زیست شهری بر ارزش‌گذاری دانش‌آموزان در گروه آزمایش در دو محث حفاظت فضا سبز و مدیریت مصرف انرژی به طور مشهود تأثیرگذار است و بر روی ارزش‌گذاری دانش‌آموزان گروه آزمایش در زمینه مدیریت زباله‌های شهری بی تأثیر است.

فردوسی و همکاران (2007) تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین دانش محیط‌زیستی و رفتارهای محافظت از محیط در بین دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد دانشجویانی که واحدهایی در زمینه محیط زیست گذرانده‌اند رفتارهای محافظت از محیط بیشتری در مقایسه با دانشجویانی که واحدهایی در این زمینه نگذرانده‌اند، دارند. همچنین بین نگرش انسان مداری و رفتار محافظت از محیط، رابطه مثبت و معنی‌داری

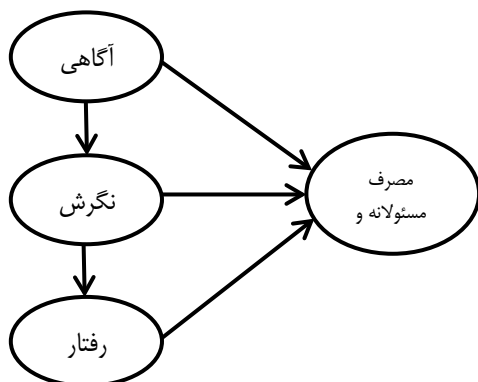
کاپرا نخستین گام در تلاش برای ساختن جوامع پایدار را کسب سواد محیط‌زیستی<sup>۱</sup> می‌داند. کاپرا معتقد است شرط بقای آینده بشریت، سواد محیط‌زیستی، توانایی فهم اصول اساسی شناخت محیط زیست و زندگی کردن بر پایه آنهاست. چنین فعالیتی (کسب سواد محیط‌زیستی) در برگیرنده آموزش و تربیتی است که فهم حیات را درست در قلب برنامه‌های خرد و کلان زندگی انسان‌ها جای می‌دهد، برنامه‌ای که واقعیت حیات را به فرزندانشان می‌آموزد، تحصیل سواد محیط‌زیستی - درک و فهم اصول سازمانی که سیستم‌های محیط‌زیستی را برای دوام شبکه حیات تقویت کند- نخستین گام در راه نیل به پایداری است. به زعم کاپرا، گام دوم پایداری، حرکت به سوی طراحی محیط‌زیستی است. ما باید دانش محیط‌زیستی خود را برای طراحی مجدد و اساسی فناوری‌ها و نهاد-های اجتماعی خود به کار بندیم تا شکاف بین طرح‌های انسانی و سیستم‌های پایدار محیط‌زیستی را پر کنیم (Capra, 2007: 283-286).

الریش بک با طرح فرضیه جامعه مخاطره آمیز<sup>۲</sup>، جهان غرب کنونی را جامعه‌ای توصیف می‌کند که در آن اشتغال خاطر مردم و عرصه سیاست از بابت توزیع «شرها»<sup>۳</sup> (از قبیل مخاطرات محیط‌زیستی و نظایر آن) بیش از مشغله فکری آنان در قبال «خیرها»<sup>۴</sup> (مثلا درآمد و شغل) است. به زعم وی، چیزی که ما در عصر حاضر شاهد آن هستیم، ظهور جامعه جدیدی است که در آن مخاطره-آگاهی<sup>۵</sup> و مخاطره-گریزی<sup>۶</sup> جزء ویژگی‌های اصلی‌اش شده است (Sutton, 2014: 144). جان کلام نظریه بک این است که زبان و هزینه‌های تجدد (مدرنیزاسیون) رفته رفته دارند بر فواید آن پیشی می‌گیرند یا به عبارت بهتر، به خطر افتادن بشر به دست خودش و ویران کردن طبیعت دارد به موتور محرکه تاریخ بدل می‌شود. بک معتقد است آن چیزی که در تحلیل مخاطرات بیشترین اهمیت را دارد، دانش و آگاهی مردم از آن؛ و اشاعه و انتقال این آگاهی است. چون این آگاهی است که در شناسایی مخاطرات و مطلع کردن مردم از آنها و در تعریف شکل و محتوای مخاطره به کار می‌آید (Beck, 2002).

در این بخش از مقاله به مرور اجمالی برخی مطالعات قبلی که

1. Environmental Literacy
2. Rick Society
3. Evil
4. Good
5. Risk - Consciousness
6. Risk - avoidance

مدل نظری تحقیق به صورت شکل شماره ۲ تنظیم شده است.



شکل ۲. مدل نظری تحقیق

بر این اساس، با توجه به نظریات مطرح شده در بخش نظری پژوهش حاضر در مورد مصرف مسئولانه و پایدار و اهمیت سواد آگاهی محیط‌زیستی جهت دستیابی به توسعه و مصرف پایدار، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- بین سواد محیط‌زیستی و مصرف مسئولانه و پایدار رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۲- بین آگاهی محیط‌زیستی و مصرف مسئولانه و پایدار رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۳- بین نگرش محیط‌زیستی و مصرف مسئولانه و پایدار رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۴- بین رفتار محیط‌زیستی و مصرف مسئولانه و پایدار رابطه معنی‌دار وجود دارد.

### روش شناسی

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر پیمایشی است. محقق با گردآوری داده‌های لازم از طریق پرسشنامه، ارتباط بین متغیر سواد محیط‌زیستی و مصرف مسئولانه و پایدار، را بررسی کرده است. همچنین تحقیق حاضر جزو تحقیقات کاربردی بوده و از این حیث یافته‌های تحقیق برای کسب اطلاع از میزان مصرف مسئولانه و پایدار در بین شهروندان ارومیه‌ای و ارائه راهکارهای مناسب برای افزایش آن، راهگشا خواهد بود.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل تمامی شهروندان ۶۴-۱۵ سال شهر ارومیه به تعداد ۴۷۶۴۴۵ نفر بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ می‌باشد که از این تعداد ۵۱۶ نفر بر اساس فرمول نمونه

با بی‌اعتنایی هیچ رابطه‌ای به دست نیامد که فرضیه پژوهش را تأیید نکند؛ ولی بین نگرش محیط مداری و رفتار محافظت از محیط رابطه مثبت و معنی‌دار و با بی‌اعتنایی رابطه منفی معنی‌دار مشاهده شد که فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند.

کریگ و آلن<sup>۱</sup> (2015) در تحقیقی به بررسی تأثیر آموزش سواد محیط‌زیستی در قالب برنامه درسی بر میزان مصرف انرژی در بین دانش‌آموزان شبانه‌روزی آمریکا پرداخته‌اند. نتایج تحقیق بیانگر این است که آموزش سواد محیط‌زیستی در قالب برنامه‌های درسی به شدت باعث افزایش آگاهی محیط‌زیستی دانش‌آموزان شده و همچنین کسب سواد محیط‌زیستی باعث صرفه‌جویی ۱۵ درصدی انرژی توسط دانش‌آموزان در خانه و کاهش ۳۰ درصدی مصرف انرژی در مدارس شده است.

شت و همکاران (2011) در تحقیقی با عنوان "مصرف آگاهانه: یک رویکرد مشتری محور به سمت پایداری" چگونگی تأثیر آگاهی و مصرف آگاهانه را بر روی کیفیت زندگی انسان‌ها بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که مصرف آگاهانه موجب حرکت جوامع در مسیر پایداری می‌شود و از تخریب بیشتر محیط زیست جلوگیری می‌کند.

وانگ<sup>۲</sup> (2001) در تحقیقی به بررسی محیط زیست تایوان، پایداری منابع طبیعی و مصرف سبز در بین دانشجویان دانشگاه ملی تایوان پرداخته است. در این تحقیق از روش پیمایش و پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردیده است. نمونه آماری ۳۴۵ نفر از دانشجویانی بودند که در مورد موضوعات محیط‌زیستی و مسائل مربوط به توسعه پایدار تایوان، آگاهی و دغدغه داشتند. نتایج نشان داده است که موضوعاتی مانند توسعه پایدار، مشکلات محیط‌زیستی و راه‌حل‌های آنها و مشارکت در مسائل محیط‌زیستی از اولویت‌های اصلی دانشجویان در جهت رسیدن تایوان، به توسعه پایدار هستند. همچنین نتایج تحقیق بیانگر این است که اکثر دانشجویان به تغییر سبک زندگی مصرف‌گرا و تغییر الگوهای مصرف در جهت رسیدن به توسعه پایدار اعتقاد دارند.

با عنایت به اهمیت توسعه پایدار و حفظ محیط زیست و اینکه تعداد مطالعات صورت گرفته درباره مصرف پایدار و مسئولانه در ایران زیاد نیستند، انجام پژوهش حاضر ضروری به نظر می‌رسد.

بر اساس چارچوب نظری و همچنین پیشینه تحقیقات انجام شده،

1. Craig & Allen
2. Wong

مسئولانه و پایدار از مقیاس مربوط به مصرف مسئولانه و پایدار (Bolderjahn & et al., 2013) استفاده شده است که در معدودی از موارد، محتوای گویه‌ها با توجه به متن مورد مطالعه تعدیل شده‌اند. همچنین متغیر مصرف مسئولانه و پایدار در ۳ بعد شامل: بعد محیط‌زیستی (با ۴ سوال)، بعد اجتماعی (با ۳ سوال) و بعد اقتصادی (با ۸ سوال) با مقیاس ۶ گزینه‌ای و در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

در پژوهش حاضر برای سنجش اعتبار مقیاس‌ها، از روش اعتبار محتوایی استفاده شده است، به این نحو که تلاش شده است معرف‌های تهیه شده، بر اساس نظر کارشناسان در دسترس، سازه‌های مورد بررسی را در حد قابل قبولی پوشش دهند. همچنین، برای اطمینان از پایایی ابزار سنجش، در مرحله پیش‌آزمون، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج حاصله نشان داد که گویه‌های مطرح شده به تفکیک سازه‌ها از همبستگی درونی بالایی (عموماً بالای ۰/۷) برخوردار بوده‌اند ارزیابی و بررسی شکل توزیع مقادیر متغیرهای تحقیق نیز نشان می‌دهد این متغیرها عمدتاً از توزیع به نسبت نرمالی برخوردارند.

#### اطلاعات و داده‌ها

آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای سواد محیط‌زیستی و میزان مصرف مسئولانه و پایدار (جدول ۱) نشان می‌دهد که مقدار میانگین بدست آمده برای متغیرهای سواد محیط‌زیستی ۴/۳۶ (در یک مقیاس ۱-۶) و مصرف مسئولانه و پایدار ۴/۸۵ (در یک مقیاس ۱-۶) بوده و در هر دو مورد، بالاتر از مقدار متوسط طیف می‌باشد.

گیری کوکران تعیین و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، برای مطالعه انتخاب شده‌اند. لازم به توضیح است که میزان واریانس صفت مورد بررسی (۰/۳۴) برای استفاده در فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، با استفاده از مطالعه مقدماتی در بین ۵۰ نفر از افراد جامعه برآورد شده است:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} = \frac{476445 \times 1.96^2 \times .34}{[(476445 \times .05^2) + (1.96^2 \times .34)]} \approx 516$$

در ادامه به تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود:

سواد محیط‌زیستی: سواد محیط‌زیستی توان درک نظام‌های طبیعی است که زندگی انسان‌ها را بر سیاره زمین ممکن می‌سازد، به عبارت دیگر سواد محیط‌زیستی، مستلزم درک عمیق و بنیادی نظام‌های دنیای طبیعت، درک روابط و تعامل‌های جهان زندگان و توان برخورد معقول با مسائلی است که باید با شواهد علمی، بی‌طرفی و با توجه به جنبه‌های اقتصادی و اخلاقی محیط زیست با آنها روبرو شد (Rahadoust, 2008: 113). در تحقیق حاضر برای سنجش متغیر سواد محیط‌زیستی، از پرسشنامه سواد محیط‌زیستی (O'Brien, 2007) استفاده شده است. سواد محیط‌زیستی در ۳ بعد شامل بعد آگاهی (با ۴ سوال)، بعد نگرشی (با ۵ سوال) و بعد رفتاری (با ۳ سوال) با مقیاس ۶ گزینه‌ای و در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

مصرف مسئولانه و پایدار: مصرف مسئولانه و پایدار به استفاده مؤثرتر و کارآمدتر از کالاها و خدمات توسط مصرف‌کنندگان در جهت تأمین بهینه نیازهایشان اشاره می‌کند تا از این طریق اثرات منفی محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از مصرف کالاها را به حداقل برسانند (UNEP, 2005). برای سنجش مصرف

جدول ۱. آماره‌های توصیفی سواد محیط‌زیستی، مصرف مسئولانه و پایدار و ابعاد آنها

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق
۰/۷۰	۵/۰۳			سواد محیط‌زیستی
۰/۹۷	۳/۷۴			
۱/۰۲	۴/۳۳	۶	۱	
۰/۶۳	۴/۳۶			
۱/۰۳	۴/۴۲			مصرف مسئولانه و پایدار
۱/۱۶	۴/۸۴			
۰/۷۲	۵/۳۱	۶	۱	
۰/۸۰	۴/۸۵			

ابعاد سه‌گانه سواد محیط‌زیستی نیز ارتباط مثبت و معنی‌داری با مصرف مسئولانه و پایدار دارند. همبستگی مؤلفه یا بعد نگرش محیط‌زیستی (۰/۴۸۷) بیشتر از همبستگی ابعاد دیگر سواد محیط‌زیستی با مصرف مسئولانه و پایدار می‌باشد، به این معنی که شهروندانی که دغدغه و نگرش محیط‌زیستی بالایی دارند، به همان اندازه، مصرف مسئولانه و پایدارتری دارند.

بر اساس یافته‌های تحقیق، بعد محیط‌زیستی مصرف مسئولانه و پایدار، بیشترین همبستگی را با سواد محیط‌زیستی (۰/۴۲۴) دارد. همچنین در بررسی روابط بین ابعاد سواد محیط‌زیستی و ابعاد مصرف مسئولانه و پایدار، بیشترین همبستگی متعلق به بعد نگرش شاخص سواد محیط‌زیستی و بعد محیط زیست مصرف مسئولانه و پایدار بوده است.

بررسی میانگین‌های مربوط به مؤلفه‌های سازنده متغیر وابسته (مصرف مسئولانه و پایدار) نشان می‌دهد شهروندان ارومیه به ترتیب در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست دارای میانگین بالاتری هستند؛ به عبارتی دیگر، آنها کمترین نمره را در بعد محیط‌زیستی شاخص مصرف مسئولانه و پایدار دریافت کرده‌اند. در سه بعد شاخص سواد محیط‌زیستی نیز بالاترین میانگین مربوط به بعد نگرشی تعلق داشته و دو بعد رفتاری و آگاهی از این جهت در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. نتایج تحلیل همبستگی بین میزان مصرف مسئولانه و پایدار و سواد محیط‌زیستی و ابعاد آنها (جدول شماره ۲) بیانگر این است که بین شاخص کل سواد محیط‌زیستی و شاخص کل مصرف مسئولانه و پایدار همبستگی معنی‌دار و مثبتی (۰/۴۳۹) وجود دارد، به بیان دیگر، شهروندانی که آگاهی و سواد محیط‌زیستی بیشتری دارند، مصرف مسئولانه‌تر و پایدارتری تجربه کرده‌اند.

جدول ۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون مصرف مسئولانه و پایدار و سواد محیط‌زیستی و ابعاد آنها

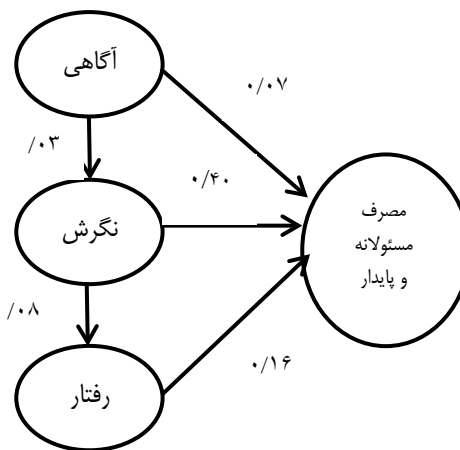
ابعاد مصرف مسئولانه و پایدار	ابعاد سواد محیط‌زیستی			سواد محیط‌زیستی	ضریب همبستگی
	نگرشی	آگاهی	رفتاری		
مصرف مسئولانه و پایدار	۰/۴۸۷	۰/۱۲۲	۰/۳۶۹	۰/۴۳۹	ضریب همبستگی
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
اجتماعی	۰/۴۱۷	۰/۱۲۸	۰/۳۸۴	۰/۴۲۴	ضریب همبستگی
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
اقتصادی	۰/۳۸۹	۰/۱۱۷	۰/۳۲۱	۰/۳۷۵	ضریب همبستگی
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
ابعاد مصرف مسئولانه و پایدار	۰/۳۸۲	۰/۰۳۶	۰/۱۴۷	۰/۳۳۸	ضریب همبستگی
	۰/۰۰۰	۰/۴۲۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری

شماره ۳ آورده شده است. در این جدول اثرات مستقیم، غیر مستقیم و اثر کل همراه با سطح معنی‌داری آنها آورده شده است.

در ادامه برای تحلیل روابط چندگانه بین متغیرها از مدل مسیر استفاده شده است (شکل ۳). نتایج برازش مدل مسیر در جدول



غیر از رفتار محیط‌زیستی که اثر غیر مستقیم بر مصرف مسئولانه و پایدار ندارد، اثرات غیر مستقیم بعد آگاهی محیط‌زیستی از طریق ابعاد نگرش و رفتار محیط‌زیستی و بعد نگرش محیط‌زیستی از طریق رفتار محیط‌زیستی بر مصرف مسئولانه و پایدار، اثری معنی‌دار و مثبت بوده است. همچنین بررسی اثرات کل ابعاد آگاهی، نگرش و رفتار محیط‌زیستی نشان می‌دهد که اثرات کل همه ابعاد بر مصرف مسئولانه و پایدار معنی‌دار می‌باشد به طوری که اثر کل بعد آگاهی در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و اثرات کل نگرش و رفتار محیط‌زیستی در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشند.



شکل ۳. مدل مسیر مصرف مسئولانه و پایدار

در مدل مسیر مصرف مسئولانه و پایدار، با توجه به تأثیرات مستقیم متغیرها می‌توان گفت، تأثیرات مستقیم متغیرهای نگرش و رفتار محیط‌زیستی بر مصرف مسئولانه و پایدار اثری معنی‌دار و مثبت بوده است. همچنین اثر مستقیم متغیر آگاهی محیط‌زیستی در مدل مسیر معنی‌دار نبوده است. بررسی اثرات غیر مستقیم متغیرهای دارای تأثیرات غیرمستقیم در مدل مسیر نشان می‌دهد به

در مدل مسیر برازش داده شده، متغیرهای موجود در مدل نهایی در مجموع توانسته اند حدود یک چهارم (۲۶ درصد) از واریانس مصرف مسئولانه و پایدار در بین شهروندان ارومیه‌ای را تبیین نمایند که با توجه به عوامل محتمل عدیده موثر بر این نوع از مصرف در سطوح و ابعاد مختلف، می‌تواند قدرت تبیینی قابل ملاحظه‌ای محسوب شود.

جدول ۳. اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر مصرف مسئولانه و پایدار

متغیرهای مستقل	نوع اثر	ت مقدار		نسبت واریانس تبیین شده
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	
بعد آگاهی	اثر مستقیم	۰/۰۷	۰/۰۳	۲/۲۸*
بعد نگرش	اثر مستقیم	۰/۴۰	۰/۰۸	۱۲/۴۷**
بعد رفتار	اثر مستقیم	۰/۱۶	--	۳/۵۹**

\*\* : معنی داری در سطح ۰/۰۱ \* معنی داری در سطح ۰/۰۵ بدون ستاره : عدم معنی داری

### بحث و نتیجه‌گیری

بیشتر جوامع امروزی به شدت با چالش پایداری محیط‌زیستی مواجه هستند و ریشه این چالش در مصرف بی‌رویه و استفاده‌ی مضاعف از منابع طبیعی محدود می‌باشد. برای مواجهه‌ی موفقیت آمیز با این چالش، انسان‌ها باید روند فعلی استفاده از منابع طبیعی و الگوهای مصرف در زندگی روزمره‌شان را تغییر دهند تا از این طریق بتوانند در مسیر توسعه‌ی پایدار قدم بردارند. در واکنش به این شرایط، تلاش‌های عمده‌ای برای ایجاد آگاهی از تبعات محیط‌زیستی ناشی از مصرف‌گرایی و رسیدن به مصرف پایدار صورت گرفته که سمپوزیوم اسلو<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۴ در مورد مصرف پایدار یکی از نتایج

این تلاش‌ها بوده است. این سمپوزیوم مصرف پایدار را استفاده از کالاها و خدمات در جهت رفع نیازهای اساسی و بهبود کیفیت زندگی همراه با به حداقل رساندن استفاده از منابع طبیعی و تولید زباله و آلاینده‌ها در جریان این مصرف تعریف کرده است (NME<sup>۲</sup> 1994).

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد میانگین مصرف مسئولانه و پایدار در بین شهروندان ارومیه‌ای (شامل سه بعد: محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی) در یک مقیاس ۶-۱ درجه‌ای، در حدود ۴/۸۵ است که از مقدار متوسط طیف مربوطه بالاتر است. بر اساس یافته-

2. Norwegian Ministry of the Environment

1. Oslo Symposium

باعث تغییر یا بهبود رفتار فرد در آن زمینه شود (Desa & et al., 2011: 644).

بر اساس نتایج مدل مسیبر، تأثیر غیر مستقیم آگاهی بر مصرف مسئولانه و پایدار از طریق ابعاد نگرش و رفتار محیط‌زیستی بیانگر این است که آگاهی به تنهایی باعث تغییر رفتار فرد نمی‌شود و در این میان یک‌سری از عوامل دیگر دخیل هستند. به عبارت دیگر، آگاهی افراد از یک موضوع اجتماعی یا برجسته سازی آن موضوع، اولین اقدام برای ایجاد تغییر در آن موضوع اجتماعی است. به این ترتیب که آگاهی اولین شرط برای تغییر نگرش افراد در مورد مسائل مختلف محسوب می‌شود. تغییر نگرش با افزایش یا ایجاد آگاهی در افراد، سرانجام آنها را در به‌کارگیری، تصمیم‌گیری به آغاز عمل سوق می‌دهد (Tankard, 2005: 238). روزنبرگ و هاوولد<sup>۲</sup> معتقدند که نگرش افراد اکتسابی هستند و برحسب تجربیات، منافع و اتفاقاتی که در محیط اجتماعی رخ می‌دهند شکل می‌گیرند و هنگام یادگیری از طریق فرایندهای مشابه تغییر می‌کنند. به نظر می‌رسد خطرات و تهدیدات محیط‌زیستی که در سالیان اخیر در استان آذربایجان غربی (مثل خشک شدن آب دریاچه ارومیه، آلودگی هوا و تهدیدات ریزگردها و ...) اتفاق افتاده است، در نگرش افراد جهت تغییر سبک مصرف و سبک زندگی مؤثر بوده است و وجود رابطه مثبت و متوسط معنی‌دار بین نگرش محیط‌زیستی و مصرف مسئولانه و پایدار تأییدی بر این نظریه است. در مورد تأثیر آگاهی و نگرش بر تغییر رفتار، فستینگر<sup>۳</sup> معتقد است که تغییر رفتار به طور کامل از تغییر نگرش و آگاهی تبعیت نمی‌کند؛ چرا که عوامل محیطی که باعث به وجود آمدن آگاهی و نگرش شده‌اند، معمولاً بعد از تغییر آگاهی و نگرش نیز عمل می‌کنند (Mehrdad, 2001).

نتایج تحقیق هم بیانگر این است که بین متغیرهای سواد محیط‌زیستی و مصرف مسئولانه و پایدار رابطه معنی‌دار مثبتی (۰/۴۳۹) وجود دارد. این بدین معنی است که شهروندانی که در بین آنها سواد محیط‌زیستی بالا است، میزان مصرف مسئولانه و پایدار در میان آنها هم بیشتر است و بالعکس. در بررسی رابطه بین ابعاد مصرف مسئولانه و پایدار و سواد محیط‌زیستی مشخص شد که بعد محیط‌زیستی بیشترین رابطه معنی‌دار (۰/۴۳۴) را با متغیر سواد

های تحقیق، توجه شهروندان ارومیه‌ای به بعد اقتصادی در مقایسه با سایر ابعاد مصرف مسئولانه و پایدار، بیشتر است. این بعد به موضوعاتی مانند رفاه اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی مربوط می‌شود. بر اساس نظریه اصول سه‌گانه پایداری ال‌کینگتون و بولدراجان، شهروندانی که دارای مصرف مسئولانه و پایدار هستند حتی اگر از لحاظ مالی در وضعیت بهتر و بالاتری قرار داشته باشند، صرف اینکه دارای وضعیت مالی بهتری هستند اقدام به خرید محصولات زیاد نمی‌کنند و متعاقب آن با هدفمند خرید کردن در جهت توسعه پایدار و مصرف پایدار حرکت می‌کنند. در بعد اجتماعی مصرف مسئولانه و پایدار نیز شهروندان ارومیه‌ای، با کسب میانگین ۴/۸۴ در وضعیت بهتری در مقیاس مصرف پایدار قرار دارند. به نظر می‌رسد یکی از علل بالا بودن میانگین بعد اجتماعی بر اساس اصول سه‌گانه پایداری، اهمیت دادن شهروندان به منافع جمعی و دوری جستن از منافع فردی در جهت مصرف پایدار می‌باشد؛ اما در بعد محیط‌زیستی، شهروندان ارومیه‌ای با کسب میانگین ۴/۴۲ کمترین مقدار را در بین ابعاد مصرف مسئولانه و پایداری کسب کردند که این مسأله به احتمال زیاد ناشی از عدم آگاهی شهروندان از تبعات محیط‌زیستی مصرف کالاهای خریداری شده و عدم آگاهی از کالاهای سازگار با محیط زیست می‌باشد.

نتایج مربوط به سنجش سواد محیط‌زیستی حاکی از آن است که میانگین سواد محیط‌زیستی در بین شهروندان ارومیه‌ای ۴/۳۶ است که از مقدار متوسط طیف مربوطه بالاتر است. بر اساس نظریه دانش، نگرش و عملکرد<sup>۱</sup> (KAP)، امروزه بسیاری از مشکلات محیط‌زیستی، حاصل فعالیتهای انسان‌ها می‌باشد. متعاقب این مسأله انسان‌ها ناگزیرند که آگاهی و نگرش خودشان را در فعالیتهای روزمره‌شان به سمت سازگاری با محیط زیست، هدایت کنند. در واقع به وجود آمدن آگاهی و تغییر نگرش و رفتار یک فرایند ترکیبی است که مرحله به مرحله اتفاق می‌افتد. دسا و همکاران (2011) معتقدند که نگرش انسان‌ها به مسائل مختلف برحسب منافع و تناسب نیازهایشان در حال تغییر است. پذیرش نگرش جدید در مرحله اول بستگی به ایجاد یا داشتن آگاهی در زمینه خاص، ارائه این آگاهی از سوی نهادهای مختلف و چگونگی ارائه این آگاهی بستگی دارد و در وهله بعدی، وجود دانش و آگاهی در یک زمینه، باعث تغییر در نگرش افراد شده؛ و در نهایت این فرایند می‌تواند در صورت کسب آگاهی و ایجاد نگرش مثبت در فرد

2. Rosenberg & Hovland

3. Festinger

1. knowledge, attitude and practice

پژوهش، برای افزایش مصرف مسئولانه و پایدار در جامعه مورد مطالعه پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

هرچند بر اساس نتایج، سواد محیط‌زیستی شهروندان ارومیه‌ای به نسبت بالاست، در هر صورت جدی بودن مسائل محیط‌زیستی در این شهر می‌طلبد در زمینه افزایش بیشتر سواد محیط‌زیستی شهروندان تلاش بیشتری صورت گیرد.

با توجه به اینکه سواد محیط‌زیستی در جامعه مورد بررسی بر روی مصرف مسئولانه و پایدار تأثیر مثبت گذاشته است پیشنهاد می‌شود بر اساس نظریه کاپرا، سواد محیط‌زیستی در دوره‌های مختلف و در مکان‌های آموزشی، به منظور آشنایی و افزایش بیشتر آگاهی محیط‌زیستی شهروندان به صورت جدی طراحی و اجرا شود تا از این طریق بتوان شکاف بین طرح انسانی و سیستم‌های به لحاظ محیط‌زیستی پایدار را پر کرد.

از آنجا که آگاهی و متعاقب آن نگرش محیط‌زیستی فرد عامل مهمی برای بروز رفتارهای سازگار با محیط زیست به حساب می‌آید، بنابراین برنامه‌ریزان محترم باید تدابیر لازم را در جهت ایجاد آگاهی و نگرش مثبت نسبت به محیط زیست در بین شهروندان در جهت بهبود و تقویت رفتارهای سازگار با محیط زیست، اتخاذ کنند.

## References

- Balderjahn, I.; Buerke, A.; Kirchgeorg M.; Peyer, M.; Seegebarth, B.; Wiedmann, K. (2013). "Consciousness for sustainable consumption: Scale development and new insights in the economic dimension of consumers' sustainability". In: AMS Review, 3 (4), 181-192.
- Bani Fatemeh, H., Hossein Nezhad. F. (2012). "Consumerism in society and its effect on urban environment: New approach". *Journal of social-culture strategy*. 1(2). pp.39-61. [In Persian].
- Beck, U. (2002). "From industrial society to society at risk". Translated by Mohammad Reza Mahdizadeh. *Environmental Journal*. N.38. [In Persian].
- Capra, F. (2008). "The New Facts of Life: Linking Food, Health, and the Environment". at <http://www.ecoliteracy.org/article/new-facts-life>.
- Craig, C.A.; Allen, M. W. (2015). "The impact of curriculum-based learning on

محیط‌زیستی دارد. همچنین در بررسی روابط بین ابعاد دو متغیر، بعد نگرش با بعد محیط‌زیستی بیشترین رابطه معنی‌دار (۰/۴۱۷) را داشتند.

به نظر می‌رسد خشک شدن دریاچه ارومیه و لمس تأثیرات منفی آن (مانند کاهش سلامت محیط‌زیستی و افزایش تخریب محیط زیست) از سوی مردم و همچنین تلاش نهادهای مختلف به خصوص نهادهای بین‌المللی<sup>۱</sup> در جهت بالا بردن آگاهی و میزان مشارکت مردم در جهت حل معضلات محیط‌زیستی و حرکت به سوی توسعه پایدار از علل اصلی بالا بودن سواد محیط‌زیستی در بین شهروندان ارومیه‌ای بوده باشد. همچنین دسا و همکاران اعتقاد دارند که بالا بودن سواد محیط‌زیستی در بین شهروندان باعث می‌شود آنها بهتر بتوانند از منابع طبیعی محافظت کرده و الگوهای مصرف خودشان را به سمت مصرف مسئولانه و پایدار سوق دهند (Desa & et al., 2011: 644).

تأثیرگذاری سواد محیط‌زیستی بر مصرف مسئولانه و پایدار با نگرش مثبت و همکاران (2011) و کاپرا در مورد تأثیر سواد محیط‌زیستی بر مصرف پایدار همخوانی دارد. شت و همکاران معتقدند که مصرف آگاهانه نشان دهنده تلاقی آگاهی و رفتار آگاهانه در مصرف است. آنها معتقدند این نوع از مصرف، منعکس کننده حس آگاهانه مراقبت از خود، جامعه و محیط زیست از سوی مصرف‌کنندگان است. کاپرا بر این عقیده است که سواد زیست محیطی شرط بقای آینده بشریت، توانایی فهم اصول اساسی شناخت محیط زیست و زندگی بر پایه آنهاست. به عبارت دیگر، تعریف عملیاتی پایداری دلالت بر این دارد که نخستین گام در تلاش برای ساختن جوامع پایدار، کسب سواد زیست محیطی است. همچنین بولدراجان و همکاران (2013) بر اساس مفهوم اصول سه‌گانه‌ی پایداری، مفهوم مصرف آگاهانه و پایدار را در جهت تقویت ابعاد محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی کیفیت زندگی مطرح می‌کنند. همچنین باید اذعان داشت که اثرگذاری سواد محیط‌زیستی بر مصرف مسئولانه و پایدار با نتایج تحقیق یزدخواستی و همکاران (2013)، یزدآبادی و همکاران (2013) و شت و همکاران (2011) همخوانی دارد. بر اساس یافته‌های

۱. اخیراً کشور ژاپن با سرمایه‌گذاری در جهت افزایش آگاهی مردم از مخاطرات محیط‌زیستی ناشی از خشک شدن دریاچه ارومیه و افزایش مشارکت مردم محلی در جهت رسیدن به توسعه پایدار در شهرها و روستاهای اطراف دریاچه ارومیه در دو استان آذربایجان غربی و شرقی اقدام کرده است.

- environmental literacy and energy consumption with implications for policy". Utilities Policy. N. 35. pp.41-49.
- Desa, A.; Abdkadir, N.; Yusooff, F. (2011). "A Study on the Knowledge, Attitudes, Awareness Status and Behaviour Concerning Solid Waste Management". *Procedia Social and Behavioral Sciences*. N. 18 pp. 643-648.
- Dubey, R.; Gunasekaran, A.; Childe, S.; Papadopoulos, T.; Wamba, S. F.; Song, M. (2016). "Towards a theory of sustainable consumption and production": Constructs and measurement. 106. pp. 78-89.
- Elkington, J. (1997). "Cannibals with forks: The triple bottom line of 21st century business". London: Capstone Publication.
- Fars Press, (2015). "Per capita waste generation every citizen of Urmia". Online Available at <http://www.farsnews.com/printable.php?n=n=13941020000012> [accessed at 8/13/2016]. [In Persian].
- Ferdowsi, S.; Mortazavi, SH.; Rezvani, N.; (2007). "The Relation between Bio-environmental Knowledge and Pro-Environmental Behavior". *Human Sciences*. No. 53. pp.151-164. [In Persian].
- Fritjof, C. (2007). "The hidden connections integrating the biological, Cognitive, and social dimensions of life in to a science of sustainability". Translated by Mohammad Hariri Akbari. publication of Nei. Tehran. [In Persian].
- Godazgar, H. (2007). "Islam versus Consumerism and Postmodernism in the Context of Iran". *Social Compass*. 54(3). pp.389-418.
- Habibi, K.; Rahimi, A.; Abdi, M. H. (2012). "Ecological Footprint Assessment of Urban Transportation; (New Approach for Sustainability of Urban Transportation Planning)". *journal of geographical logistic of space*. Second year. No. 5. pp. 99-116. [In Persian].
- Hendarti, L. (2012). "Institutional Strengthening of Education for Sustainable Consumption (ESC)". *Advancing ESC Policy and Implementation Strategies Mapping opportunities in Indonesia*. United Nations Environment Programme (UNEP) and Yayasan Pembangunan Berkelanjutan (YPB). Jakarta.
- Mehrdad, H. (2001). "Introduction to mass communication theories and concepts". Tehran. Faran Press. [In Persian].
- Mohr, L, A.; Webb, D, J. & Harris, K, E. (2001). "Do consumers expect companies to be socially responsible? The impact of corporate social responsibility on buying behaviour". *Journal of Consumer Affairs*. 35(1). pp.45-72.
- Norwegian Ministry of Environment. (1994). "Oslo Rountable on Sustainable Production and Consumption". Online Available at: <http://www.iisd.ca/consume/oslo004.html> [accessed at 8/13/2016].
- O'Brien, S. R. M. (2007). "Indications of environmental literacy: using a new survey instrument to measure awareness, knowledge, and attitudes of university-aged students". A thesis submitted to the graduate faculty in partial fulfillment of the requirements for the degree of MS. Iowa State University.
- OECD, (2008). "Promoting Sustainable Consumption «Good Practices in OECD Countries»". President Regulation No. 5/2010: Mid Term National Development Plan Year 2010-2014.
- Population Division of the United Nations (2014). "World Urbanization Prospects, the 2014 revision". Online available at <https://esa.un.org/unpd/wup>. [Accessed at 8/13/2016].
- Rahadoust. B. (2008). "Ecological literacy". *Zibashenakht journal*. N. 18. pp. 111-118. [In Persian].
- Roth, C. L. (1992). "Environmental Literacy: Its Roots, Evolution and Directions in the 1990s". Columbus. OH: ERIC Clearing-house for science, Mathematics and Environmental Education.
- Sachs, J.D. (2015). "The Age of Sustainable Development". New York: Columbia University Press.

- Salonen, A. (2013). "Responsible Consumption". In: Idowu, S.; Capaldi, N.; Zu, L.; Das Gupta, A. (Eds.). *Encyclopedia of Corporate Social Responsibility*. Berlin: Springer, 2048-2055.
- Severin, W. J.; Tankard, J. W. (2005). "Communication Theory". Translated by: Alireza Dehgan. Tehran University Press.
- Shafaf Press, (2014). "Strange Statistics of Iranians consumerism". Online Available at: <http://shafaf.ir/fa/news/303684>. [accessed at: 8/13/2016]. [In Persian].
- Sheth, J. N.; Sethia, N. K.; Srinivas, S. (2011). "Mindful consumption": a customer-centric approach to sustainability. *Journal of the Academy of Marketing Science*. 39(1). 21-39.
- Shirani Bidabadi, E.; Larijani, M.; Farajollahi, M. (2013). "Influence of Urban Environmental Education on Valuation & Environmental Behavior of Secondary School Students in Isfahan Province". *Environmental Education and Sustainable Development*. Vol. 1. No. 3. pp.30-37. [In Persian].
- Statistical Center of Iran, (2012). "Selection of General Population and Housing Census. (2011). [In Persian]
- Sutton, P. W. (2013). "The environment: A Sociological Introduction". Translated by Sadeg Salehi. Tehran: Samt press. [In Persian].
- Tillard, (2000). "Sustainable Consumption". Online available at: <http://www.gdrc.org/sustdev/concepts/22-s-consume.html>. [Accessed at 8/11/2016].
- UNEP. (2005). "A Guidance Manual: Advancing Sustainable Consumption in Indonesia". Division of Technology, Industry, and Economics. United Nations Environment Programme.
- Wong, K. K. (2001). "Taiwan's environment, resource sustainability and green consumerism: perceptions of university students". *Sustainable Development*. N. 9. pp. 222-233.
- World Commission on Environment and Development. (1987). *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press.
- Yazdkhsti, B.; Alizade Aghdam, M.; Hjiilo, F. (2013). "The relationship between ecological footprint and ecological literacy (case study: Tabriz city)". *Urban Sociological Studies*. N.7. pp. 77-104. [In Persian].